

صفر تا صد طرح مجلس درباره فضای مجازی را در «فرهیختگان» بخوانید؛ در صورت تصویب چه اتفاقی می افتد؟

امضای مجلس رایای این طرح نزنید

مجاز ممنوع خواهد شد، درحالی که غالب کاربران و مخاطبان در آنها حضور دارند و...

ایجاد ایران خودرو و سایپای دیگر، این بار در حوزه دیجیتال

اما در ارتباط با ناکات مثبت و منفی طرح، با عمادالدین پاینده، پژوهشگر اندیشکده حکمرانی شریف هم گفت‌وگو. نسبتاً مفصلی انجام دادیم و از ضمن تشریح حواشی موضوعات مختلف در طرح مذکور به «فرجه‌خنگان» گفت: «به نظر من یک سری انتقادات وارد و موارد به‌صورت عمومی به طرح دارد، اگر این طرح را بعنوان سیاست مهم هم در نظر بگیریم، در حوزه فضای مجازی در نظر بگیریم، یک‌سری آثار و تبعات ناخواسته دارد. به اینها یک محور بحث است و محور دیگر مستقیماً داخل طرح رفتن است که دربرابر اینها یک مسئله مختلف می‌توان صحبت کرد. یکی از مهم‌ترین بندهایی که این طرح دارد، این است که دوست‌مان می‌گوید پلتفرم‌های پایه و کاربردی اثرگذار خارج از یک پایمیز مذاکره است. این مسئله‌ی فنی‌شرطی که داخل طرح برای گذشتنه‌شده می‌بین این که نمایندگی‌های معرفی‌کننده پرتوکل و الزامات داخلی ما را می‌بینند، یک سال زمان وجود دارد که کشورها نمونه مشابه داخلی اینها را ایجاد کند و آن زمان مسودوسازی اتفاق افتد، یا به‌شرت‌ها که پلتفرم‌های شرق آسیایی همانند چندی، چینی و آلمان هم تعدادی بزر دارند، صحبت کنند و سناریوی پلتفرم‌وراثی را داشته باشند. این چه مشکلی دارد؟ باید اساساً نسبت به این موضوع تارگی باشیم یا خیر؟ به نظر من رسد این ما را در پیچ تاریخی قرار می‌دهد. دقیقاً به تارگی که در دهه ۲۰۲۰ برای دو کشور دوازدهم و بیستم در زمینه فضای مجازی و تجارت است. علاوه‌بر دغدغه اقتصادی بود و اینجا دغدغه امنیتی و حکمرانی به‌علاوه دغدغه اقتصادی وجود دارد. به لحاظ اقتصادی این کار عملاً و تجربیات دیگری که داخل طرح آمده، مشخصاً ما ۱۵ و ۱۶ و قدری در دهه ۱۷ بداند. بنابراین اگرچه شده، تعریف‌گذاری را تا پس‌صندوق حیات از محتوای داخلی به‌عنوان مولداتی، بحث تعیین سانس و کف، مصرف، تعیین سقف و کف ترافیک داخلی و خارجی است...» با یادآوری دربار پلتفرم‌وراثی اقتصاد برای ماست. اساساً باور برارادیم حمایت‌گرایی است. — این برارادیم می‌گوید تعریف‌گذاری برای کالاهای وارداتی کنید، تا از این طریق هم برای کالاهای داخلی بار ایجاد کنید و هم از آن حمایت. نکته این است که حمایت‌گرایی به شیوه دولتی و تعرفه‌گذاری و برهن سپاری‌هایی که عمدتاً تا تاسیس شرکت‌های خصوصی همراه می‌شود، چیزی است که ما را به‌بسمت ایجاد ایران خودرو و سایپاها و بیشتر و این‌ها

این طرح، فرصتی طلایی برای همراه اول و ایرانسل

پایانده ادامه داد: «همکنارسوال پیش آید که شواهدی وجود دارد؟ بلیه، یکسپروشنهاد درون مثنی است. مثل تعریف گذاری، تعیین سقف و کف تراژیک و امثالهم و بحث اینکه وقتی می گویند باز زمانی مشخص باشد، نمونه شاهدی باید نسبت از اینستاگرام اسدوسودو، نتیجه این اتفاق قرار است چیزی تجربه آن را این قضیه ای نیست که به پیام رسان ها در زمان مسدودسازی تلگرام دادند و نتیجه آن شکست اندر شکست بود، نتیجه این شد که به درصد سه هم باز پیام رسان های خارجی نرسیدید و عملاً شیفت مصرف از تلگرام به واتساپ و پلتفرم های دیگر گراشتیم. این یک قسمت از شواهد است. یک قسمت دیگر شواهد این مثنی است. شواهد بیرون مثنی چیست؟ در قضا شواهدی که آن را در کشور باغ باری ۱۰۰ درصد ضرب نفوذ اینترنیت همراه ارا دارد، یک سه هم باز آن به صورت عمده در خارج بود. یازدهم هم که اپراتورهای همراه ما یعنی همراه اول و ایرانسل است، قرار دارد. عملاً بازیگری سوم جدی نداریم. یعنی نوعی انحصار دوگانه در لایه اینترنیت همراه ارا داریم. اوضاع اینترنیت در ما رو به روز شده که یکسوم مسائل مانع توسعه آن شده است. در بهتری تر این ماینیگت نیز ضرب نفوذ اینترنیت ثابت در کشور حدود ۱۰۲ درصد است. حتی اگر ۱۵ درصد در نظر بگیریم، اختلاف این اعداد به شدت زیاد است. می خواهم بگیریم باز یکم بزرگ انحصار گرا باز این طرح شما بعنوان فرصت طلایی استفاده خواهند کرد و بیرون نخواهد پایید که به مجرد تصویب این طرح همان انحصاری که در لایه ترساخت ها شدند و براساس لایه یکیشکین توسعه دادند، اتفاق می افتد. چه مبنایی داشت که فعلاً آن حوزه ترساخت های که ارا و همراه اول باشند، در لایه خدمت یعنی لایه سرویس ارا شوند؟ منطق این کار دقیقاً انحصار بود. منطق این بود که برای افزایش سود وقتی رقیبی در لایه ترساخت نمی دیدند، حمله به لایه های دیگر کنند و با حاشیه سودها و سرمایه گذاری های گزافی که می توانند انجام دهند باز ارا در لایه های دیگر در نظر بگیرند. این فرصت طلایی است که فرصت سودهای بسیار مناسب و ساده ای را باز یارگان انحصاری می دهد که می گویند این ویبکا همان جایگزین اینستاگرام است، توییتر و واتساپ است.

ترکیب یر ایراد کمیسیون عالی تنظیم مقررات

سہم بخش خصوصی تقریباً ہیچ

این پژوهشگر حوزه دیجیتال گفت: «تکنه بسیار مهم دیگر که نقدی کلان به این طرح است اینکه از نظر سیاستی چه اتفاقی را رقم می‌زند مثلاً بحث عدم حضور حداقل ۵۰ نماینده از بخش خصوصی در ترکیب کمیسیون عالی تنظیم مقررات تکنه‌ای بود که قبل از کارنامه کردیم. این خیلی سوتی بزرگی محسوب می‌شد اما اگر این مرحله پیش می‌رفت، بعنوان سازنده ذهنیم ردیف از اعضای کمیسیون عالی تنظیم مقررات اشاره کرده یک نفر نماینده از نظام صنفی ربابه‌ای حضور باید. البته که همچنان این نقد وارد است که آیا یک نفر نظام صنفی ربابه‌ای در مقابل حدود ۲۵ نفر تعداد اعضای کمیسیون عالی بدون احتساب افرادی که بعنوان مسئول کل کمیسیون باقی‌مانده‌اند، نمی‌تواند یک خواهم کاریکاتوری کرده باشد؟»

نفر است که ۲۵ یک نفر است اما چرا اینجا اگر یک به ۲۵ نگوییم نمی‌کند به ۲۰ یا یک به ۵ نسبت بخش خصوصی به فعالان حاکمیتی و دولتی است. اگر این طرح و اگر این تشکیل کمیسیون عالی تنظیم مقررات از اساس برای حمایت از پلتفرم‌ها و بازار داخلی است، چرا باید چگونه ممکن است با این نسبتی که بین بخش خصوصی و بخش حاکمیتی وجود دارد حاصل شود؟ برای من کاملاً قابل پیش بینی است که دوستان با فشاری که داخل مجلس آمده و لابی‌گری که انجام شده گفته‌اند برای اینکه نرسوب این طرح برطرف کنیم یک نماینده هم اضافه کنیم. این نمی‌تواند یک سازوکار پایدار مشارکت بخش خصوصی در تصمیم‌گیری برای حمایت از پلتفرم‌ها را رقم بزند. من عنوان این را شورای سیاست‌گذاری خودرو بود حضور خودروسازان گذاشته بودم. دقیقا یکی که محورهای ششگانه سیاست‌گذاری ما در مورد خودروسازان شورای سیاست‌گذاری خودرو بود. شورای سیاست‌گذاری خودرو بود که در دهه ۷۰ تا ۷۴ فعالان خودروسازی را دعوت می‌کرد. یعنی هر شرکتی که در زمان ۵۶ تا ۵۸ سال در تولید خودرو شرکت می‌کرد دعوت می‌شد. بعد از دهه ۸۰ فقط این خودروسازان به این شورا دعوت می‌شوند. انگار خرجه‌هایی داریم که دوباره در حال تکرارند. در حال حاضر ظرفیت‌های غیرقابل انکاری در عرصه دیجیتال داریم که می‌تواند به یک مرکز شمشیر را در دهه ۲۰ که کشورهای سیستم سرمایه‌داری فعالیت خود را شروع می‌کند و به صورت ارگانیک هم به وجود آمده و به گاه وابسته به حمایت مستقیم دولت نبوده است. همین الان بازی داریم که به رویه ابوغ است. تخصص‌های سیستم دیجیتال و حاکمیتی را نمی‌توانم چه بلایی ممکن است بر سر این بازارها بیاد واری می‌دانم تجربه صنعتی و دیگری، اساسا تجربه موفقیتی نبوده است. جمله این خواهم بعنوان آلترا تویپان بکنم این است که این سازوکارهایی تحت عنوان اساماترمانی، پول هوشمند، سرمایه‌گذاری هوشمند استفاده از مکانیکس‌های سرمایه‌گذاری‌های خطرپذیر ایجاد شده که کشورها استفاده از این روش‌ها را واری می‌کنند، نه. باروش‌های قدیمی و منسوخ و آزمون پس داده‌ای همچون تشکیل صندوق‌های دولتی، تعریف‌گذاری، مستودسازی و...! این روش‌ها مدت‌هاست امتحان خود را پس داده است. این یکی نکته را لازم دانستم خدمت شما بیان کنم.»

ابهامات موجود در ماده ۱۴؛ وظیفه وزارت ارتباطات چیست؟

پاینده افزود: «نکته دیگری که باید بیان شود که برای من خیلی نکته کلیدی است، ماده ۴۱



یکی یکی حوزه‌های مختلف را که با هم بررسی کنیم، یعنی به اقتصاد رجوع کنیم و در وضعیت بد اقتصادی دولت مکتوب نوپسیم، از معیشتی که اصلاً خوب نیست، از فقر و یویکری که روز بروز بیشتر می شود و شفافیت قضائی که تبدیل به دراهه عمیق شده است؛ به سیاست رجوع کنیم و بلشوی سیاسی داخلی و خارجی نوپسیم؛ به فرهنگ رجوع کنیم که هواسد و مذاکراتی که فقط در چند نشست و برخاست دیپلماتیک و زورق پیچ شده به خورد مردم داده شد، به فرهنگ رجوع کنیم و اجتماع و ورزش ... واقعا جایی نمی ماند برای دست گذاشتن روی موضوعاتی که اگر همین الان در وقت افتاده ترین تا بالاترین ترین نقاط شهری و روستایی از مردم سوال کنیم در چندین اولویت نخست اینها نیست. اما اگر قرار بر تحلیل دقیق و درست تر می باشد، کجای دنیا در چه مدلی از حکمرانی، در دوران انتقالی دولتی داشتند؟ رفقت دولتی و قبلی و استقرار دولت جدید با این شبکه عظیم مسائل و مشکلاتی که باید زود و دو اثرزایی درمان شود، نظام تقنینی و نمایندگانی همین مردمی که از این مسائل و مصائب رنج می برند، دست روی موضوعی می گذارند و بر آن پافشاری می کنند که هیچ یک از منظره های ما و اولویتهای برای آن جایی ندارد که بعداً توجهی نداشته باشیم؟ پس متفلسفی اش را هم که خواهش برسی کنیم جای نباشد، خصوصاً در شرایطی که مردم جنوب و شمال و شرق و غرب از بی آبی و بی پولی و بی سرنواهی و بیماری کار به استخوان شان رسیده و عدای از آنها هم به خیابان ها ریخته اند. چرا باید فضای طبقه نخبگانی جامعه و حتی مردم عادی درگیر مسائلی نظیر سازماندهی قضائی خودشان، ولو به قید فوریت و بر فرض اینکه به حدی کافی موضوع مهم حازنه اهمیت بسیاری است، در ارائه آنها نامی از چنین طرح و تصمیماتی به جماعه تزریق و مدام به آن شوک وارد می شود. اصلا این چند سال، نمایندگان مجلس و غنچه خندان فضای مجازی بجای آوردن که حالا اینستارام چهل و چند میلیون مخاطب تلگرام و واتساپ ... همه میلیون ها نفر از خود جذب کرده اند و به عنوان خوشدان داندان، یا دشمن افراشته که بایادساندهی حق و خطا و فضیلت و عقوبت گزار و مشکلات موجود، ادیان پرداخت به این سالانه نبود؛ در فصلهای قبل و ظاهر هم شده، بنبر نتو که چنین طرح ها و اهدافی بعد از گذار از شرایط بحرانی روی میز بیاید و بهتر و با فراغ حال بیشتر تصمیم گیری شود؛ نمی دانم پاسخ به این مطالبات چیست، اما بخ، ذیل این کج سیلیستی در زمان شناسی ماهیه محکوم به تسکون و بررسی هیئتی مثل رزم بعد از نوشتن از خوزستان و بی آبی و کم آبی در کشور، به جای خیلی تایلر بر زمین نهاده از طرح قانون حمایت از حقوق کاربران، اقدامات پایه کاربردی فضای مجازی نوپسیم.

روی مثبت طرح

در این گزارش سعی شده به حد توان یکطرفه و صرفاً با نگاه نقادانه به تحلیل نبرد آزادی و به همین خاطر هم فرصت‌ها و هم تهدیدات و ایرادات موجود در طرح را با فهم شخصی و هم اظهارات کارشناس کنار هم پیش‌روی مخاطب قرار دهیم و نیم‌نگاهی هم به توجه مدافعان و نویسنده‌گان این طرح داریم تا شاید با رفع برخی نواقص، اتفاقات بهتری، در زمان بهتری برای این طرح بیفتد. اما ابتدا بد نیست به نکات نسبتاً مثبت موجود در طرح اشاره کنیم:

در نظر گرفتن حق السهم تولید کنندگان محتوا از ترافیک

یکی از مهم‌ترین عوامل کمبود تولید محتوای بومی، فقدان مدل اقتصادی برای تولید محتوا در شبکه داخلی کشور است. زنجیره ارزش صنعت محتوا در کشور سبب شده است که درآمد حاصل از ترافیک به اپراتورها و ارائه‌دهندگان اینترنت برسد. این در حالی است که در دیگر کشورها این درآمد به صورت منصفانه بین تمامی بازیگران در طول زنجیره ارزش تقسیم می‌شود. در طرح موجود هم کمیسیون تنظیم مقررات مملکت به انجام این مهم شده است.

ارائه خدمات بانکی بر بستر خدمات پایه کاربردی

در کشورهای مختلف خدمات بانکی یکی از ابزارهای جذاب کردن خدمات پایه کاربردی به شمار می آید. مادر کشور ما ارائه این خدمات به صورت انحصاری در اختیار شرکتهایی خاص است. از این رو در طرح مذکور بانک مرکزی موظف به ابلاغ مقررات ارائه این خدمات بر بستر خدمات پایه کاربردی داخلی است.

ارائه خدمات دولت الکترونیک بر بستر خدمات پایه کاربردی

در حال حاضر ارائه خدمات دولت الکترونیک توسط بخش‌های مختلف حاکمیت، به دسترس شهروندان مستقر ارائه شده و کاربران را نیز باهمه‌ی نیازهای مختلف خود پوشش می‌دهد. همچنین ارائه خدمات دولت الکترونیک در خدمات پایه‌ی داخلی، صرفی است که هیچ‌یک از این خدمات را فراهم می‌کند تا به صورت متمرکز امکان دریافت تمامی خدمات مورد نیاز، به شهروندان داشته باشند. این امر در دستگاه‌های اجرایی کشور را مبرم کرده است که خدمات الکترونیک را بر بستر خدمات پایه‌ی کاربردی داخلی نیز ارائه داده و از این طریق به توسعه آنها کمک کنند.

معافیت مالیاتی برای خدمات پایه کاربردی داخلی

معافیت مالیاتی به معنای یکی از ظرفیت‌های حمایتی مورد توجه این طرح قرار گرفته و خدمات پایه کاربردی مبتنی بر فناوری‌های بومی را با متخصصان کمیسیون عالی تنظیم مقررات از حمایت‌های مندرج در قانون حمایتی کاربان، شرکت‌ها و فعالیت‌های تجاری دانش بنیان قرار داده است. حمایت از خرم خصوصی کاربان؛ خدمات سالم‌سازی محتوا برای کاربران در فضای مجازی نظیر کودک و نوجوان، ضمانت اجرای مصوبات شورای عالی فضای مجازی و... از انبیه می‌توان از دیگر مزیت‌های این طرح برشمرد.

ایرادات و ابهامات طرح

برای نوشتن از ایرادات این توان صفحه‌های زیادی را پر کرد، منتهای پست این بخش را با صحبت‌های کارشناس جلوبرویم و مصفا اشاره به به‌صورت گذرا به برخی مشهودات کارشناسی قضایی دادیم. اولین ایرادی که می‌توان به طرح حمایت از حقوق کاربران و خدمات پایانه کاربردی اشاره داشت. همین الان نام طرح از اقسام و شرایط جویندگی به‌خوبی نویسی‌های گوناگونی از این طرح ظاهر می‌شود که نشان از ناپخته‌بودن آن دارد. اگر نه، لازم نبود طرحی که هنوز به صحن علنی نیامده و نمایندگان هم نظرات‌شان را ندادند، ماقبل تصویب این مقدار تغییرات داشته باشد. نکات بعدی اما تیزتر و می‌تواند حواشی و موارد مربوط به این موضوعات باشد: ۱- ممنوعیت واردات تجهیزات الکترونیکی هوشمند که خدمات پایانه کاربردی خارجی را مجوز از به‌صورت نصب در کشور دارند؛ در صورتی که شرکت‌های تولیدکننده تجهیزات الکترونیکی هوشمند با عدم نصب بدیش پیش‌فرض خدمات پایانه کاربردی خارجی را مجوز از به‌صورت موقت کنند، و در انتها به بدیش ممنوع خواهد شد. این حکم باعث روی آوردن به قاچاق و دور زدن رجیستری قانونی در کشور خواهد شد. ۲- اشتراک گذاری فیلترشکن توسط کاربران نهایی؛ بنابر متن طرح کسانی که اقدام به اشتراک گذاری فیلترشکن کنند، مجرم شناخته می‌شوند. ۳- مسدودسازی خدمات پایانه کاربردی پرکاربرد در صورت عدم دریافت مجوز و بدیش قوانین کشور؛ آیا در صورت مسدودسازی مجوز و بدیش قوانین کشور توسط خدمات پرکاربرد خارجی، بر اساس قانون، عدم خوانده شدن؟ ۴- تبلیغات در خدمات پایانه کاربردی برای بخش خصوصی؛ آیا ایا وضع این قانون، تبلیغات توسط بخش خصوصی در خدمات پایانه کاربردی خارجی را فاقد

پنجمین طرح است. ماده ۱۴ می‌گوید در اجرای ماده واحده قانون «اجازه تعیین و وصول حق امتیاز فعالیت بخش غیردولتی در زمینه پست و مخابرات، مصوب ۱۳۹۶ سازمان برنامه و بودجه، مصکف است با تصویب کمیسیون حداقل پست درصود ووجه حاصل از درآمد های موضوع قانون مذکور با حساب مصوب موضوع ماده ۱۲ این قانون را بر زمینایم. صندوق مصکف است از طریق سازمان تنظیم مقررات و ارتباطی و سازمان فناوری اطلاعات ووجه حاصله را پس از مبادله موقتانه با اولویت موارد تصریح شده در این قانون هزینه نماید. اینجا گفته شده حداقل ۲۰ درصد ووجه حاصل از این قانون به عنوان بودجه طرح حمایت از کاربران تلقی می‌گیرد. اگر متن این قانون را بخوانید، این قانون اختصاص دارد. و اینکه وزارت ICT می‌تواند ووجهی را تحت عنوان مختلف دریافت کند. این مصکف مالی را به عنوان حق امتیاز، حق السهم دولت، جریمه دوران خدمت مثالهای بخش خصوصی که در حوزه ICT به معنای عام درگیر می‌شوند، دریافت کند و کمترین تر اینجاست که دوستان به این نکته خیلی توجه کردند می‌گوید این مبالغ توسط وزارت ارتباطات باید صرف هزینه های امور خدمات زیربنای ارتباطات و فناوری اطلاعات در مناطق محروم و روستایی و اولی کنندگان خدمات پستی، مخابراتی و فناوری اطلاعات تأمین هزینه های آژانس های خصوصی سازی شود. من یک سال دور که به نظر می‌آید نقاط ابهام و اشکال طرح می‌تواند باشد، الان دولت جدید قرار است بر سر کار بیاید. گر چنانچه دولت با فرض اینکه در هشت سال گذشته دولت روحانی، وزرای ارتباطاتی که آمدند هیچ داده ای در زمینه بحث این وجود دربار توسعه دریافتی های روستایی و خصوصی سازی و... انجام نداده اند، قرار است این کار را انجام دهد. وقتی شما حداقل ۲۰ درصد از منابع این قانون را از وزارت ICT دریافت می‌کنید که حداقل یعنی حداقل یک دهم کردن آن وجود دارد. ۵۰ درصد منابع این قانون را از وزارت ICT دریافت می‌کنید. آیا وزارت ICT از این به بعد وظیفه ای در قبال توسعه زیر ساخت روستایی، اینترنت و خصوصی سازی ندارد؟ با فرض این است که اولویت این کار نسبت به اولویت حمایت از پیامرسان های داخلی کمتر است؟ یا به طور کلی خیلی دقت نکردید قانونگویی مصارفی برای این ووجه مشخص کرده است؟ اگر این منابع را از وزارت ICT بگیرد به عنوان هدیه دست وپا زداری برای ابرای فعالیت در این حوزه بستید و هم این مبالغه های این وظیفه ای وزارت ارتباطات باید انجام می‌داد این وظایف را برای کمیسیون عالی تنظیم مقررات قائل شویم که این اتفاق نمی‌افتاده است. این نکته مهمی است و احسان من این است که یکی از باهای اصلی طرح حمایت از کاربران بخش تأمین منابع است به خصوص اینکه دوستان این بار نگاه به دولت چهارم، چهار پنج سال اخیر نوشته و نگاه های افقی بلند مدت حداقل دولت سیزدهم و دولت چهارم در این زمینه نباشند.»

هم تعارض منافع و هم حق و تو برای کمیسیون در طرح وجود دارد

این پژوهشگر اندیشکده حکمرانی شریف‌امداد: «بحث دیگر بر ماده هشت می‌باشد. تصمیمات و اقدامات تنظیم‌گران خدمات فضای مجازی از جمله کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات ذیل وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات نباید مغایر با سیاست‌ها و مصوبات کمیسیون عالی تنظیم مقررات باشد. مرجع تشخیص عدم مغایرت تصمیمات و مصوبات تنظیم‌گران در موضوع این ماده کمیسیون است و موظف است حاکم اکثریت با مازاد ضرورت درخواست تنظیم نظر خود را اعلام کند، در غیر این صورت موافق مصوبات کمیسیون محسوب شده و لازم الاجراست. در بحث کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات که دوستان دارند، نکته این است که آیا اینجاست تعارض منافع وجود ندارد؟ نکته دیگر اینکه وقتی کمیسیون مرجع تشخیص و حل اختلاف بین سیاست‌های تنظیم‌گر بخشی و کمیسیون عالی تنظیم مقررات می‌شود، این به استقلال نهادهای تنظیم‌گر بخشی لطمه وارد نمی‌کند. زیرا کمیسیون عالی تنظیم مقررات این اختیار را داریم که نهادهای تنظیم‌گر بخشی ایجاد کنند و در ترکیب آن نهادهای تنظیم‌گر بخشی استفاده کردیم که حق رای و نظر داشته باشند، بر اساس آن چیزی که تجربه کشورهای مختلف در جهان در حوزه تنظیم‌گری رسانه‌های آنلاین و چه تنظیم‌گر این اقتصاد دیجیتال و فضای مجازی بوده، استقلال نهادهای تنظیم‌گر بخشی یکی از مهم‌ترین فاکتورهای، به نظر می‌رسد اینجاست که نهاد استقلال نهادهای تنظیم‌گر بخشی را که در حداقل می‌توان گفت، یکی از موارد ضروری سازمان‌های تنظیم‌گر بخشی هستند منازرا با بخشی از وزارت ارتباطات، استقلال نهادهای تنظیم‌گر بخشی می‌برد و زیرسوال رفتن استقلال تصمیم‌گیری اینها شاید در کوتاه‌مدت برای کمیسیون عالی تنظیم مقررات یک امر خوشایند باشد ولی در بلندمدت به نفع اکوسیستم نیست چون عوامل مانع از تخصص‌گرایی و سیاست‌سازاری در حوزه تنظیم‌گری رسانه‌ها و تعالان فکری مجازی و اقتصاد دیجیتال است. این نکته مهمی است و فکر می‌کنم باید از سوی نهادهای تنظیم‌گر بخشی از این ماده هشت، به قصد از این ماده هشت طرح جدید این است که کمیسیون ارتباطات منافع وجود دارد؟ مسئول تشخیص درست بودن مصوبات نهادهای تنظیم‌گر و مسئول تشخیص هماهنگی بودن مصوبات آنها با مصوبات کمیسیون، کمیسیون می‌شود. مثل این است که مثلاً شورای رقابت بگوید تمام نهادهای فعال در حوزه تصمیم‌سازی در کشور، مسئول اینکه سیاست‌ها در حوزه رقابت با سیاست‌های من همراستا باشد را من تعیین می‌کنم. یعنی کمیسیون تنظیم مقررات تصمیم می‌گیرد مصوبات نهادهای تنظیم‌گر بخشی با مصوبات کمیسیون همراستا شود یا نه. به نظر من اینجاست تعارض منافع وجود دارد یا نه؟ به نوعی خود و تنویری کمیسیون قائل شدیم.»

جرای برخی سیاست‌ها نیاز به بلوغ در حوزه‌هایی خاص دارد

پاینده گفت: «در ارتباط با ممنوعیت واردات تجهیزات الکترونیکی هوشمند که خدمات کاربردی اقامت مجوز به صورت پیش فرض روی آن نصب شده به چه صورت است؟ طبق آخرین اخبار واصله ظاهراً این ممنوعیت از داخل طرح حذف شده است. اعم از ممنوعیت از تبلیغات در خدمات خارجی فاقد مجوز، ممنوعیت تبلیغ خدمات خارجی، ممنوعیت ارائه خدمات بانکداری و دولت الکترونیک در خدمات خارجی دارای مجوز و ممنوعیت ورود تجهیزات الکترونیکی که نصب پیش فرض را رعایت نمی کنند. این نکته اول است که حذف شد. ولی درست است که این موضوع حذف شده اما این سیاستی است که لازم دانستیم آن را بیان کنیم که به طور مشخص هم بخش ممنوعیت واردات در سه، چهار سال اخیر در روسیه به تکریم، تعداد دیگری از کشورها اجرا شده است؛ با مبنی سیاسی مشکلی ندارم ولی درست است که موجود در کشورها که اجرای این سیاستی زمانی توانستیم داشته شدنی کند. درست است که به اندازه کافی بازار باغی در حوزه پلتفرم های پایه در کشور نداریم که بپورفرندی باشد و کاربر با علاقه و تجربه مثبتی از آن استفاده کند. بحثی که وجود دارد این است که الان آیات به وضویتی در بازار رسیده که حتی اگر به نوبت هم باز باشد یا وجود آیات استناد به این شود چقدر قابلت خودمیزت کارها و به بلوغ رسیده که تجربه خوبی می توانم به کاربر بدهم. اما چنین داستانی در باره راه پلتفرم های پایه داریم و وقتی می گویم روسیه این کار را انجام داده یعنی روسیه ای که موتور جستجوی یاندکس دارد، یعنی روسیه ای که در پلتفرم های صوتی و تصویری تقریباً سهم بازار خوبی دارد و... یعنی روسیه به بلوغ رسیده است ولی در کشور ما این اتفاق نیفتاده است. زمانی که ما به بازار رانکاران از بخش استاده از درمجموعه یوآینتک موتور جستجوی بخش خصوصی در کشور ما مشکل گیرد و درمجموعه نسبت به گوگل ۱۵-۲۰ درصد سهم داشته باشد، می توانیم این سیاست را اجرا کنیم».

فیلتر شکن حذف نمی شود، فقط به ابزاری لاچری تبدیل می شود

این پژوهشگر افزود: «بحث دیگر جرم‌انگاری اشتراک‌گذاری فیلترسبک هاست. الحمدلله جرم‌انگاری حذف شده و جرم‌انگاری تجاری مانده است یعنی اگر شرکتی به‌صورت تجاری اقدام به فروش فیلترسبک‌ها و اشتراک آنها کند این جرم‌انگاری اتفاقی می‌افتد. جرم یا مخاصاتی متوجه اشخاص حقیقی نیست، ممکن است این سوال مطرح شود که برای اشخاص حقیقی یا اشخاص معنوی چه به‌صورت جرم‌انگاری درآورد؟ این کار از نگاه حقوقی دشوار است»

چه مشکلاتی می‌شود؟ خصوصاً در فضایی که بسیاری از نرم‌افزارها موبایل و استفاده نیستند، نگارندگان طرح سرحات بر این باورند که ما می‌توانیم به‌طور کلی در کمتر از یک سال با استفاده از یک سری تکنیک‌های فنی و یک سری استراتژی‌ها و دیپلماسی‌های مبتنی بر المللی با شرکت‌هایی که اینترنت بین الملل را به ما فروشنده فیلترشکن‌ها می‌دانند کشور جمع کنیم یعنی اعتقاد و تصور و اراده بر این است. طبق ادانگ اندکی که من دارم تعدادی مصاحبه و مشورت‌هایی که با دوستان فعال در این حوزه داشتم، به نظر می‌رسد این شدنی نیست. اگر چنین چیزی شدن نباشد فقط می‌توان انتظار داشت هزینه استفاده از فیلترشکن در کشور بالا می‌رود یعنی احتمالاً پیامد بلافاصل این موضوع در کشور این است که هزینه استفاده از فیلترشکن بالا برود و فیلترشکن به یک کالای لوکس تبدیل شود و به تبع آن مدتی پلت‌فرم‌های که به فیلترشکن می‌توان از آنها استفاده کرد همانند اینستاگرام کالای لاچیزی و لوکس شود و مصرف آنها کمتر شود و در همین کار طبقات خاصی بتوانند از آنها استفاده کنند. بخش دیگر به‌نظر من این است که برای این کار و سیاست شبیه این را اگر به تاریخ رجوع کردیم، قبلاً انجام دادیم. در زمان یونو و دستگاه‌های دیپلماتیک ایران اگر کسی می‌خواست به کشورهای غربی سفر کند، باید از زمان دیدیم. اگر این رویه و اتخاذ سیاستی که من اسم را ز گفتمان فناوری هراسی می‌گذارم، در خدمت فناوری جدیدتر اعمال کنیم مگر کشور از این اعمال این سیاست نتیجه‌ای گرفته اتفاق مثبتی افتاده است؟ به نظر من اتفاقی که می‌افتد این است که این سیاست به شکست می‌خورد و اثرات سوء دارد. فقط ارجاع به گذشت. اما اتفاقی که دهه که بعد از فیلترینگ با توجه اساسی از سوی وزارت فناوری ارتباطات داریم که مثلاً به ۹ ماه پیش است ولی جالب است. اینکه بعد از فیلتر شدن تلگرام و در باز زمانی یک ساله که مردم از آرم‌آرام یا پوست‌های ایرانی جمع شدند به‌صورت VPN استفاده می‌شدوا هم همان‌طور است. اما سه چهار ماهی است که خیلی از باینفروم‌ها خبرگزاری‌ها و فعال‌های داخلی ما دوباره در تماس جدی هستند. به‌نظر من حداقل چیزی که در انتظار این قسمت قانون است سرزشتگی که تلگرام دچار آن شده خواهد بود.

این طرح با خوش بینی زیادی نوشته شده است؛ سردر گم در یک سه گانه!

پایانده گفت: «سوال بعدی این است که خیلی از کسبوکارها به این پلنفرهها وابسته هستند و نمونه مشابه و رقابتی در داخل ندارند، تکلیف این چیست؟» حدس من این است همانطور که این کسبوکارها با بازه آفولی مجدداً در تلگرام مبادرت به فعالیت کردند که این تفاوت یک مهم فزاینده روی فعالیت آنها نبود و امکان سوالات بعدیه انعاماها داشت، احتمالاً این اتفاق مجدداً اینجا بیفتد و این واقعیت این است که جلوی بازار و عرضه و تقاضا را نمی توان گرفت مگر بستر قابل اتکایی به آنها بدهید. مادامی که مزیت گرایی هوشتند در کشور نداشته باشه، باز سازی مبتنی بر مزیت داخلی انجام ندهیم، امکان ندارد که مسودوسازی و فیلترنگی به نتیجه برسد. اگر دنبال توسعه اقتصاد دیجیتال هستیم، اگر دنبال اتکال حاصل از اقتصاد دیجیتال هستیم، ما باید من این است که هرمانی که استقلال را با مفهوم خودکامی اشتباه می گیریم و تقبیل می دهیم، نتیجه اش در اقتصاد ما در حوزه های مختلف چیست؟ نتیجه بسیار عقب انداخته ای پس زندگی برای بازار داخلی ما است. این اتفاق دربره راه دیجیتال ما براهتی امکان بروز و ظهور دارد و یکی پرترگه خطرناک برای اقتصاد ما است. راهی به غیر مزیت گرایی هوشتند و مزیت گرایی مبتنی بر داده جویی، مزیت گرایی مبتنی بر سرمایه گذاری هوشتندند. هر پرایان به این که گفتید این طرح دربهات خوش بینی پر شده است. در این طرح مدنظر است که دفاتر خدمات پلنفره های خارجی در ایران دایر شوند، که دوستان واقف هستند تلگرام این کار را نمی کند ولی معتقدند کسب و کار و تویتر این کار را می کنند، در صورت عدم حضور و پذیرفتن قوانین کشور با منویعیه مواجه می شوند؛ بله، من سبب تا به این طرح می بینم این مسئله اختصاصی دشوار به نظر من است. اصل اصلی این طرح واصلی ترین چاله این خورده همین امر و همین خوش بینی و اشتباه تاریخی دوستان است. امیدوارم این اتفاق بیفتد. هفته پیش آقای جهرمی توییتی زدند و ارجاع به آمار درخواست هایی که کشورهای مختلف به تویتر می بفرستند منی بر حذف محتوا دارند و اینکه این درخواست انجام شود که کشور ما تا الان به درخواستی داده نشده و عملا هیچ اقدامی منی بر تعامل با تویتر نداشتیم، همین اشتباهی که ایشان در نظر داشت ولی برای من اهمیت دارد که کشورهای مختلف درخواستی بفرستند و چه رسد و چه چیزی از درخواست ما به موافقت است. سمک تویتر بهره شده است. قریب به این آمار در اجلاس حکمرانی تکنولوژی جمع جهانی اقتصادبان کردند که در چهار پنج ماه پیش، در یکی از اینل ها رئیس دفتر منی بک در سنگاور میهمان بود، آنجا قریب به این مضامین اشاره شد که این درخواست ها لزوماً با روی خوش و موافق نیست و یک سبک همرا نمی شود. ایشان بیان کرد به تعامل و سوادخره های به نهادهای نظارتی و سیاستگذار سنگاور رسیدیم. ما اکنون به دنبال انجام چنین تجربه ای بودیم یا خیر؟ برای یکبار به شده قبل از نوشتن چنین قانونی تکلیف حکامیت ما باید روشن شود که به دنبال تعامل و دیپلماسی دیجیتال هستیم یا به دنبال خودکامی دیجیتال هستیم. می یابیم دنبال استقلال یا مدل چینی است. مدل چینی به مدل بسیار موقی است. اگر این سوال را با موزیم و درست پیاده کنیم، به نظر من همان الان است که سردرگم بین این سدهای مانده ایم و همواره یکی به نعل زده ایم و یکی به میخ!

بهانه اصلی طرح تولید گیت وی است؟

جدال بین وزارت ارتباطات و ستاد کل!

یکی از اصلی‌ترین حواشی پیرامون این طرح که برخی آن را علت اصلی نگرش طرح می‌داند توطئه گیتی‌وی است، این پژوهشگر در این رابطه گفت: «در آخرین تحولاتی که نگارندگان طرح در توثیقه مطرح کردند، در نسخه آخر طرح می‌بینید عنوان آن را تغییر دادند و از طرح مبارزه با جرایم مرزبانان به گذرگاه امن مرزی استفاده کردند و یک تفاوتی هم قائل شدند که این جای آمبدوری دارد. عین عبارتی که مراد است که گیتی‌وی در آنیکه می‌گوید مرزبانان حق تعیین مصداق محتوای مجرمانه را ندارند، حق تعیین خدمات غیرمجاز را ندارند، حق دستکاری ترافیک را ندارد، مدیریت به‌صورت کمیته‌ای انجام می‌شود و مسئول کمیته مرکز ملی فضای مجازی است، نه ستادکل! دستورالعمل مدیریت هم باید در کمیسیون عالی باشد. عملاً اسم این سپردن گیتی‌وی به ستادکل است، ریسبم این است که گیتی‌وی را به کمیسیون عالی می‌سپارند. فقط تنهاتر است این است که کمیسیون عالی هر تصمیمی گرفت یک نهادی مثل وزارت ارتباطات باشد که آن‌ها به مدت چهار، هشت سال مورد تایید و حمایت دوستان باشند و در آینده نزدیک ممکن است این‌طور نباشد، دنبال این هستند حق اعمال قانون و اینکه منویات کمیسیون عالی را در گیتی‌وی اعمال کنند، دست یک نهادی باشد که این نهاد کمیته‌ای که کل زیرساخت گیتی‌وی است و نظیر من این است که این‌ها غلط انداخته است که گیتی‌وی کل زیرساخت و فناوری‌ها و تکنولوژی‌های مورد نیاز برای مدیریت کردن گیتی‌وی عملاً یک بار دیگر از نو اختراع خواهد شد. این هزینه اقتصادی و سیاسی و نهادهای برای ما دارد. دلیل دیگر اینکه از چه زمانی تا الان مستداکل زیربوهای مسلح و با راجع به چه شواهدی صلاحیت مدیریت کردن گیتی‌وی به این معنار دارد؟ چه شواهد و پیشینه‌ای داریم؟ چه مطالعه و پشتیبانی برای این شده است؟ پراسس تجربه کدام کشور این کار را می‌کنیم؟ وزارت ارتباطات را درست چنچیدنه اینک به یک اختیارات را دارید، یکی از مهم‌ترین ارتباطاتی که در این طرح اتفاق می‌افتد این است که دوستان باواسطه تجربه‌ی بدی که از آقای جهری داشتند درصده تغییر در وزارت هستند. این اشتباه است. ارتباطات این وزارتخانه را متلاشی می‌کنند. دلیل سوم این است که اساساً چرا بحث گیتی‌وی برای کشور ما مهم می‌شود؟ به‌خاطر اینکه وزارت ارتباطات یک‌سری از وظایفی که باید در قبال گیتی‌وی انجام می‌داد را انجام نداده است. سوال این است که چه تضمینی وجود دارد که ستادکل زیربوهای مسلح بتواند انجام‌دهنده‌های بی‌این امر باشد؟ چرا خود مرکز ملی برای ترکیبی که دوستان در آن دارند، که ترکیب دموکراتیک‌تری نسبت به وضعیت فعلی پیدا می‌کنند، این مسئولیت را برعهده نگیرد؟»